

## راهبردهای مدیریت فرهنگی - اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ در مواجهه با یهودیان مدینه

kargaran1365.1080@gmail.com

ابراهیم کارگران / کارشناس ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم

hashemei1401@gmail.com

سیدمحمدحسین هاشمیان / استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

### چکیده

هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه با امضای پیمان‌نامه صلح‌آمیز با یهودیان مدینه همراه بود. این پیمان‌نامه زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و یهودیان را به دنبال داشت. اما یهودیان پس از چندی پیمان‌شکنی کردند و گفته‌های پیشین خود را انکار نمودند و به حمایت از مشرکان پرداختند. این امر در نهایت منجر به مواجهه پیامبر با یهودیان و اتخاذ راهبردهای فرهنگی - اجتماعی در تقابل با آنان شد. بررسی این راهبردها می‌تواند الگوی مناسبی برای حکومت‌های اسلامی در مناسبات و تعاملات خود با یهودیان در دنیای امروز ارائه دهد. این پژوهش با رویکردی تاریخی - تحلیلی و با استفاده از الگوی سوات (SWOT) به دنبال شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی راهبردهای مدیریت فرهنگی اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهودیان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: «دستیابی به استقلال فرهنگی» و «خنثاسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابله با جنگ فرهنگی» دو راهبرد اساسی پیامبر بوده است. هریک از این راهبردها نیز دارای تاکتیک‌ها و تکنیک‌های خاصی است.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت راهبردی، پیامبر اکرم ﷺ، یهود، استقلال فرهنگی، جنگ فرهنگی، مقاومت‌سازی مسلمانان.

با توجه به تصريح قرآن، مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در تاریخ حیات پیامبر ﷺ، درمی یابیم یهودیان نقشی محوری علیه پیامبر داشتند. اهمیت دوران حکومت پیامبر ﷺ و شیوه عملکرد آن حضرت در مواجهه با یهودیان، اقتضا می کند تا رفتارهای پیامبر با یهودیان بررسی و تحلیل گردد. یهودیان در صدر اسلام از جمله ساکنان مؤثر حجاز و به ویژه مدینه محسوب می شدند. آنان آیین خاصی داشتند؛ برخی حضرت محمد ﷺ را پیامبر الهی و برخی دیگر نیز همچون عوام مردم، مبلغ دینی جدید می شناختند.

بنا بر شواهد تاریخی، بسیاری از ایشان - در ظاهر - از ابتدا با پیامبر ﷺ دشمنی نداشتند. پیامبر ﷺ نیز بنا بر رسالتشان، یعنی هدایت بشر و اتمام حجت در قبال یهودیان، در برخورد با آنان از ابتدا رویکردی تهاجمی نداشتند تا از تبدیل یک مشکل بالقوه به مشکل بالفعل، یعنی دشمنی و لجاجت یهود در آینده جلوگیری نمایند. ایشان در مواجهه با یهودیان بنا به مقتضیات آن دوران، روش ها و تعاملاتی با آنان داشتند؛ از جمله انعقاد پیمان نامه، تعیین جزیه، جنگ، صلح و مانند آن. این روش ها و تعاملات در شرایط گوناگون، می تواند نمایانگر رویکردهای مدیریتی پیامبر ﷺ باشد. با کنار هم قرار دادن آنها می توان به رفتارها و اقتضائات و شرایط آن زمان و راهبردهای پیامبر ﷺ دست یافت.

یهودیان با بدعهدی، زمینه مواجهه با پیامبر ﷺ را فراهم آوردند. آنان برای رسیدن به مطامع دنیوی و مهم تر از آن، برای از دست ندادن مرجعیت علمی و دینی خود در حجاز، ابتدا با پیامبر ﷺ پیمان نامه امضا کردند که با ایشان دشمنی نکنند؛ اما طولی نکشید که پیمان شکنی آنان در حوزه های گوناگون منجر به مواجهه با پیامبر شد. بر این اساس، لازم است به کارشکنی های یهود در حوزه فرهنگی - اجتماعی اشاره شود تا علل رویارویی آنان با پیامبر ﷺ روشن گردد:

الف. شبهه افکنی یهود مدینه در مسائل اعتقادی؛ مانند نسبت دادن فقر به خدا (آل عمران: ۱۸۱)، بازی گرفتن اصل دین (ر.ک: آل عمران: ۷۲؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۵۳) و ایجاد تردید در مشرکان با ترجیح بت پرستی بر خداپرستی (ر.ک: نساء: ۵۱؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۲).

ب. تلاش برای ارتداد مسلمانان (آل عمران: ۶۹)، کفر به پیامبر ﷺ و تحریم افشای نشانه های نبوت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۷)، تحریف در تورات (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۵۱)، تلاش برای به انحراف کشیدن پیامبر ﷺ (ر.ک: مائده: ۴۹؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۷) و توییح نومسلمانان (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۵۷؛ واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۶-۵۷).

ج. انکار، انحراف و دشمنی؛ مانند انکار نبوت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۴)، انکار قیامت (طباره، ۱۹۷۹، ص ۳۷)، انحراف از توحید (توبه: ۳۰ و ۳۱؛ مائده: ۱۸؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۴) و دشمنی با جبرئیل امین (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۳).

مواجهه پیامبر ﷺ با یهود دو نوع بود:

یکم. مواجهه مستقیم با یهود؛ مانند مواجهه نظامی با بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیبر.

دوم. مواجهه غیرمستقیم؛ یعنی گاهی پیامبر مستقیم با یهود درگیری نداشتند؛ اما یهودیان نقش توطئه‌گری علیه پیامبر ﷺ را به صورت غیرمستقیم داشتند؛ مانند نقش آنان در جنگ‌های بدر، احد و احزاب. بنابراین، پژوهش حاضر هرچند برای برخی از راهبردهای اتخاذشده توسط آن حضرت، به‌مثابه راهبرد استخراج‌شده از مواجهه مستقیم با یهود شاهدهی ندارد؛ اما راهبردهای شناسایی‌شده دلالت‌ها و تأثیراتی جدی در خصوص تنظیم روابط جامعه مسلمانان با یهود داشته است.

چون در جهان امروز، یهود و صهیونیسم جهانی در پی طرح‌ریزی انواع فتنه‌ها علیه امت اسلامی هستند، حکومت‌های اسلامی نیز می‌توانند با الگوگیری از سیره و روش پیامبر ﷺ، راهبرد خود را در مناسبات و تعاملات با یهودیان عصر حاضر تعیین نمایند. از این‌رو، امروزه که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دین اسلام پایه‌گذاری شده است، آگاهی از شیوه عملکرد مدیریت راهبردی حکومت پیامبر ﷺ در موفقیت نظام اسلامی ضرورت فراوانی پیدا می‌کند. بدین‌روی شیوه‌های مواجهه پیامبر با یهودیان، می‌تواند به‌خوبی الهام‌بخش و تعیین‌کننده نوع مواجهه جمهوری اسلامی با یهودیان عصر حاضر باشد.

این مقاله می‌کوشد با بهره‌جستن از آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت ﷺ و منابع تاریخی معتبر، به دلایل این مواجهه‌ها دست یابد. سپس با استخراج شاخص‌های مدیریت راهبردی در منابع مدیریتی بتواند با تطبیق رفتارهای پیامبر ﷺ به این شاخص‌ها دست یابد. با توجه به تأکید قرآن بر تعیین تکلیف یهودیان، به‌مثابه یک مسئله مهم و مبتلابه امت اسلامی، می‌توان به نوعی، «بیانیه مأموریت» پیامبر ﷺ در برخورد با یهود را استنباط نمود.

سپس می‌توان با سنجش عوامل خارجی و محیطی، اعم از تهدیدها و فرصت‌های یهودیان و نقاط ضعف و قوت ایشان نسبت به جامعه اسلامی و در ادامه، بررسی سیره و بیان پیامبر ﷺ، به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت ایشان در مواجهه با یهود دست یافت و در نهایت، راهبرد پیامبر در مواجهه با یهود را تحلیل نمود.

شیوه این پژوهش در دستیابی به روش پیامبر ﷺ شیوه‌ای پسینی است؛ به این معنا که به دنبال تحلیل مجموعه رفتارها و واکنش‌های پیامبر ﷺ در برابر یهود است تا به راهبردهای فرهنگی - اجتماعی ایشان در مواجهه با یهودیان دست یابد. در این روش می‌توان راهبردهای پیامبر ﷺ را به‌مثابه الگوی مدیریت راهبردی اسلامی، از باب عمل به آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، در سطوح گوناگون مدیریتی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت.

این اثر در پی این پرسش اساسی است که پیامبر ﷺ در برخورد با یهودیان، کدام راهبرد فرهنگی - اجتماعی را به کار گرفتند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهش روشمندی با موضوع «راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با

یهودیان» صورت نگرفته؛ اما کتب، پایان نامه‌ها و مقالاتی مشابه با عنوان و محتوای پژوهش حاضر وجود دارد؛ از جمله کتاب پیامبر ﷺ و یهود حجاز (صادقی، ۱۳۸۶) که به موضوعاتی همچون روابط دوستانه و انعقاد پیمان‌ها و برخوردهایی غیرنظامی یهود، روابط خصمانه آنان، شامل جنگ‌ها و سریه‌ها به گونه‌ای دقیق پرداخته است.

همچنین کتاب رسول خدا و یهود (عارف کشفی، ۱۳۹۵) در دو مرحله، تحلیل گسترده‌ای از کینه‌توزی یهودیان و عوامل و انگیزهای آنها و جبهه‌گیری ایشان در قبال رسول خدا ﷺ صورت داده است. با وجود این، در هر دو اثر، از راهبردهای پیامبر ﷺ در مواجهه با یهودیان سخنی به میان نیامده است.

کتاب تحلیلی بر عملکرد پیامبر ﷺ در برابر یهود (جدید بناب، ۱۳۹۰) در فصل آخر، به مراحل مواجهه پیامبر خدا با کارشکنی‌های یهود پرداخته؛ اما تفاوت آن با پژوهش حاضر در دسته‌بندی این مراحل در قالب راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهود است.

شبهات مقاله «راهبرد پیامبر ﷺ در برابر فتنه‌های یهودیان مدینه» (زمانی محبوب، ۱۳۹۳)، با اثر پیش‌رو در ارائه راهبردهای پیامبر ﷺ در مواجهه یهودیان مدینه است؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر در سنجش عوامل خارجی و محیطی، اعم از تهدیدها و فرصت‌های یهودیان و نقاط ضعف و قوت ایشان نسبت به جامعه اسلامی و در نهایت، ارائه راهبرد است. وجه نوآوری این پژوهش در ترکیب مباحث مدیریت راهبردی، استفاده از الگوی سوات (SWOT)، شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی راهبردهای فرهنگی اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهودیان است که در هیچ‌یک از نمونه‌های مذکور، چنین چیزی وجود ندارد.

### روش تحقیق

ابتدا با نقی به تاریخ اسلام و با واکاوی و شناخت علل، از چرایی مواجهه پیامبر ﷺ با یهودیان سخن به میان آمده است. سپس با استفاده از سوات (SWOT)، راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی شده تا راهبردهای مبتنی بر قرآن و سیره پیامبر ﷺ به منظور استفاده حکومت‌های اسلامی در مدیریت جامعه اسلامی ارائه گردد.

«راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهودیان» موضوع مهمی است که این تحقیق با روش «تحلیل تاریخ» براساس محوریت تاریخ‌نگاری قرآنی متأثر از تفسیرهای اثری و با استفاده از قرآن به‌مثابه منبع اصلی و همچنین مأخذ دست اول و برخی تحقیقات و مطالعات جدید در پی تحلیل و کاوش آن است.

### تبیین مفاهیم کلیدی

«مدیریت استراتژیک» شامل دو کلمه «مدیریت» (Managment) به معنای اداره کردن و گرداندن (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۲۷) و «استراتژیک» (Strategic) به معنای سوق‌الجیشی و راهبردی است (همان، ص ۱۱۲).

«مدیریت استراتژیک» از لحاظ عملیاتی این گونه تعریف می‌شود: «هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات و وظیفه‌ای چندانکه که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد» (فردا، ۱۳۹۷، ص ۲۴). راهبرد (استراتژی) نیز تصمیماتی است که برای فرد یا شکار فرصت‌های پیش‌رو به‌نحوی دگرگون‌کننده و تحول‌آفرین اتخاذ می‌شود (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

«برنامه‌ریزی استراتژیک» یکی از زیرمجموعه‌های مهم مدیریت استراتژیک است که به شکل‌های گوناگون و در قالب‌های متفاوت ارائه می‌شود که متداول‌ترین آن، الگوی «SWOT» نام دارد. این الگو شامل بررسی نقاط قوت (Strength)، نقاط ضعف (Weakness)، فرصت‌ها (Opportunity) و تهدیدها (Threat) است و عنوان آن از حروف ابتدای این چهار جزء گرفته شده است.

در الگوی «SWOT» دو نوع بررسی صورت می‌گیرد:

یکی بررسی درونی که دربرگیرنده قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سازمان است و امکان یک ارزیابی دقیق از منابع و محدودیت‌های سازمان را برای مدیریت فراهم می‌کند.

دوم کل‌نگری برنامه‌ریزی استراتژیک که ایجاب می‌کند به محیط بیرونی سازمان نیز توجه شود. از این‌رو، مدیریت پس از بررسی درونی به ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی می‌پردازد. بررسی بیرونی مواردی همچون شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، موقعیت را برای مدیریت مشخص می‌سازد. هنر مدیریت استراتژیک در آن است که بتواند بهترین ترکیب را که حاصل این بررسی‌هاست، برای برنامه‌ریزی به‌دست آورد (الوانی، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

در الگوی «SWOT» پس از فهرست کردن هر یک از عوامل داخلی و خارجی، از محل تلاقی هر یک از آنها، استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌شود. بنابراین، همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی SO، ST، WO، WT می‌گردد (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸-۲۴۹). جزئیات این روش تجزیه و تحلیل در جدول (۱) ذکر شده است:

جدول (۱): تجزیه و تحلیل SWOT

		عوامل داخلی	عوامل خارجی
فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)	ناحیه ۱. راهبردهای تهاجمی یا گسترشی (SO): استفاده از فرصت‌ها با استفاده از نقاط قوت	فهرست فرصت‌ها (O)
ناحیه ۲. راهبردهای متنوع یا رقابتی (ST): استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها	ناحیه ۳. راهبردهای محافظه‌کارانه (WO): استفاده از فرصت‌های بالقوه نهفته برای جبران نقاط ضعف	ناحیه ۴. راهبردهای تدافعی یا پیشگیرانه (WT): به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف	فهرست تهدیدها (T)

طبق جدول مزبور، در حالت اول که سازمان از قوت‌های درونی برخوردار است و محیط بیرونی نیز فرصت‌هایی را در اختیار سازمان قرار داده، بهترین شرایط برای بهره‌برداری وجود دارد و سازمان می‌تواند از این موقعیت نهایت استفاده را به عمل آورد.

در حالت دوم که سازمان دارای ضعف‌هایی است، اما محیط آماده بهره‌برداری نیست، مدیریت باید با تغییر در نوع خدمت یا کالای خود، از محیط مساعد استفاده کند و بر ضعف‌های سازمان خود فائق آید.

در حالت سوم که سازمان از قوت‌های کافی برخوردار است، اما محیط مساعد نیست، باید ترتیبی اتخاذ شود که تهدیدهای محیط به فرصت تبدیل شوند و زبانی را متوجه سازمان نسانند.

در حالت چهارم که سازمان ضعف دارد و محیط نیز تهدیدآمیز است، سازمان باید از فعالیت کنونی صرف‌نظر کند و در پی آن باشد که با محصولی متفاوت، در بازار دیگر به کار خود ادامه دهد (همان، ص ۶۲-۶۳).

در ادامه با استفاده از روش مزبور، راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهود بیان می‌گردد:

## تحلیل و ارزیابی عوامل

### ۱. تحلیل و ارزیابی عوامل داخلی

جدول (۲): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی

امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	عوامل داخلی	
۰.۴	۴	۰.۱	S1: قدرت تشکیل نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تمدنی و تأسیس نهادهای خاص توسط پیامبر ﷺ	S:
۰.۱۵	۳	۰.۰۵	S2: اقتدار درونی امت اسلامی	
۰.۱۵	۴	۰.۰۵	S3: قدرت نظامی - اطلاعاتی	
۰.۸	۴	۰.۲	S4: خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری	
۰.۱	۲	۰.۰۵	S5: تقویت سطح علمی و فرهنگی مسلمانان	
۰.۸	۴	۰.۲	S6: ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ از جمله عصمت و تمسک به وحی	
۲.۴		۰.۶۵	جمع	
۰.۱	۲	۰.۰۵	W1: خطر اعتقادی و نظامی برخی مسلمانان ساده‌اندیش ناشی از جهل باقی‌مانده از دوران عصر جاهلی	W:
۰.۱۵	۳	۰.۰۵	W2: وضعیت نامناسب مالی و روحی مهاجران در سال‌های نخستین هجرت	
۰.۱۵	۲	۰.۰۵	W3: یهودزدگی برخی مسلمانان	
۰.۲	۴	۰.۰۵	W4: سست‌عصر بودن (نافرمانی) برخی نیروهای نظامی مانند سرپیچی برخی مسلمانان در جنگ احد	
۰.۲	۴	۰.۰۵	W5: وجود منافقان در مدینه و هم‌پیمانی با یهود	
۰.۲	۴	۰.۰۵	W6: نبود مکانی خاص برای دادوستد مسلمانان	
۰.۱	۲	۰.۰۵	W7: بافت قبیله‌ای، دینی و اختلافات قومی میان اوس و خزرج	
۱.۱		۰.۳۵	جمع	
۳.۵		۱	جمع عوامل داخلی	

جمع امتیاز وزنی در عوامل داخلی سازمان حداقل ۱ و حداکثر ۴ و میانگین آنها ۲/۵ است. اگر نمره نهایی سازمان کمتر از ۲/۵ باشد؛ یعنی سازمان از نظر عوامل داخلی مجموعاً دچار ضعف است و اگر نمره نهایی بیشتر از ۲/۵ باشد بیانگر آن است که سازمان از نظر عوامل داخلی مجموعاً دارای قوت است. بنابراین در اینجا نیز نمره نهایی ۳/۵ بیانگر نقاط قوت بالای حکومت نبوی در مواجهه با یهودیان مدینه است.

## ۲. تحلیل و ارزیابی عوامل خارجی

جدول (۳): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی

امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	عوامل خارجی	
۰.۱	۲	۰.۰۵	O1: تاجر بودن یهودیان؛ فرصتی تجاری برای فروش کالاهای مسلمانان به روم / شام	فرصت‌ها
۰.۰۶	۳	۰.۰۲	O2: فرصت خداپاوری و وحی‌باوری یهود در ترویج اسلام و مؤید پیامبر بودن؛ مانند اسلام آوردن مخیریق	
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	O3: باسواد بودن یهودیان و مشارکان؛ فرصتی برای بالابردن سطح علمی مسلمانان	
۰.۸	۴	۰.۲	O4: مناطق حاصلخیز (از جمله خیبر و فدک) به‌دست‌آمده از تقض پیمان یهودیان؛ فرصتی مناسب برای رونق اقتصادی مسلمانان	
۰.۸	۴	۰.۲	O5: غنایم (خمس یا غیرخمس) به‌دست‌آمده از جنگ یا غی جنگ با یهود؛ فرصتی مناسب برای ساماندهی مناسبات مالی مسلمانان	
۰.۱۵	۳	۰.۰۵	O6: موقعیت جغرافیایی ویژه یرب؛ یعنی واقع‌شدن در امتداد شاهراه تجارت، مجاورت با دریا و همچنین وجود حره‌ها، نخلستان‌ها و چاه‌های فراوان	
۱.۹۷		۰.۵۵	جمع	
۰.۴	۴	۰.۱	T1: تهدیدهای اعتقادی، کلامی و عرفانی یهود	تهدیدها
۰.۴	۴	۰.۱	T2: تهدیدهای اقتصادی یهود	
۰.۴	۴	۰.۱	T3: تهدیدهای فرهنگی یهود	
۰.۲	۴	۰.۰۵	T4: عناد و خصوصیات درونی اخلاقی و شخصیتی یهودیان	
۰.۳	۳	۰.۱	T5: تهدیدهای نظامی، امنیتی و سیاسی یهود	
۱.۷		۰.۴۵	جمع	
۳.۶۷		۱	جمع عوامل خارجی	

جمع امتیاز وزنی در عوامل خارجی سازمان حداقل ۱ و حداکثر ۴ و امتیاز متوسط برای سازمان ۲/۵ است. امتیاز ۴ برای سازمان نشان‌دهنده واکنش عالی سازمان در استفاده از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدهاست. همچنین امتیاز ۱ نشان می‌دهد که استراتژی‌های موزون سازمان در استفاده از فرصت‌ها و پرهیز از تهدیدها توانمند نبوده است. در اینجا نیز نمره نهایی ۳/۶۷ بیانگر استفاده حکومت نبوی از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدها در مواجهه با یهودیان مدینه است.

## راهبردهای فرهنگی - اجتماعی

یکم. راهبرد «دستیابی به استقلال فرهنگی»

مهاجرت مسلمانان و بافت جمعیتی مدینه، پیامبر ﷺ را با مشکلات خاصی روبه‌رو کرد. دو قبیله اوس و خزرج از

جنوب عربستان به شمال مهاجرت کرده بودند و در مدینه و بومگاه‌های اطراف آن سکونت داشتند (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۶ و ۳۳۰؛ ابن هشام، بی‌تا، الجزء الثانی، ص ۲). دیگر ساکنان مدینه تعداد قابل توجهی از قبایل یهودی بودند که در مدینه زندگی می‌کردند (جواد، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۹ و ۵۲۲). از همین رو، تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی یهود در کنار تنوع قومی و فرهنگی جامعه مدینه، پایه‌ریزی نظام فرهنگی مستقلی برای اسلام و مسلمانان را با چالش مواجه کرد. پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی از جمله «اقتدار درونی امت اسلامی»، «خلافت و پویایی مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» از جمله عصمت و تمسک به وحی، موفق شد با انتخاب راهبردی هوشمندانه، به تدریج، مسلمانان را به استقلال فرهنگی برساند تا مسلمانان را از آسیب‌های ناشی از وابستگی به یهود و دیگر فرهنگ‌ها بازدارد؛ راهبردی که شاید در ابتدا پیشگیرانه بود، اما در نهایت به راهبرد گسترشی تبدیل شد، به گونه‌ای که در سال‌های اواسط هجرت، با فتح مکه، گرایش به اسلام فزونی یافت. جزئیات انتخاب این راهبرد، در جدول (۴) ذکر شده است:

جدول (۴) راهبرد دستیابی به استقلال فرهنگی

چرخه	راهبرد	نوع راهبرد	نحوه دستیابی به راهبرد	علت انتخاب راهبرد	تاکتیک	تکنیک
فرهنگی - اجتماعی	دستیابی به استقلال فرهنگی	تهاجمی و گسترشی (SO)	«اقتدار درونی امت اسلامی»، «خلافت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبری» برای جلوگیری از تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی	پیامبر ﷺ با استفاده از برخی نقاط قوت از جمله «اقتدار درونی امت اسلامی»، «خلافت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبری» از جمله عصمت و تمسک به وحی موفق شدند با انتخاب راهبردی هوشمندانه، به تدریج، مسلمانان را به استقلال فرهنگی برسانند تا از آسیب‌های ناشی از وابستگی مسلمانان به یهود و دیگر فرهنگ‌ها جلوگیری کنند.	تاکتیک اول: هویت‌بخشی به مسلمانان از طریق اثبات نبوت، حقانیت و جاودانگی دین اسلام و کفر یهود	الف. اثبات نبوت و رسالت جهانی خویش ب. اثبات کفرورزیدن گروهی از یهودیان به قرآن و معجزه بودن قرآن ج. اثبات حقانیت و جاودانگی دین اسلام
					تاکتیک دوم: هویت‌بخشی به جامعه اسلامی با تغییر یا به‌کارگیری ابزارها، نهادها و نمادهای فرهنگی	الف. بهره‌گیری از قرآن در معرفی و رسواسازی یهود ب. استفاده از نمادها: نان و اقامه ج. درخواست تغییر نماد: تغییر قیله
					تاکتیک سوم: ایجاد هویت واحد فرهنگی از طریق مرزبندی اعتقادی با یهودیان	الف. ایجاد سؤال ب. بهره‌گیری از آیات قرآن



**تاکتیک اول:** هویت‌بخشی به مسلمانان از طریق اثبات نبوت، حقانیت و جاودانگی دین اسلام و کفر یهود

یهودیان براساس بشارت‌های تورات برای درک پیامبر آخرالزمان، به مدینه مهاجرت کردند. آنان در بحث و گفت‌وگوهای خود به مشرکان و دیگران می‌گفتند: برای ما پیامبری خواهد آمد که موجب برتری ما بر شما خواهد شد. اما بعد از هجرت ایشان به مدینه، با آنکه نشانه‌های پیامبر اکرم ﷺ را موافق با گفته‌های تورات یافتند، کفر ورزیدند. گروهی از یهودیان با تحریف تورات، سوءاستفاده از کلمات قرآن، تمسخر و استهزای مسلمانان، علیه پیامبر ﷺ و دین اسلام شبهه‌پراکنی می‌کردند تا اذهان مسلمانان را در یافتن یک هویت مستقل دچار تزلزل و در نتیجه، پشیمانی از انتخاب اسلام کنند. از این‌رو، تحریف در تورات، تحریف شخصیت و انکار نبوت پیامبر ﷺ و زیرسؤال بردن معجزه ایشان از جمله شیوه‌های یهودیان در ممانعت از شکل‌گیری هویت مستقل برای مسلمانان بود. بدین‌روی، پیامبر ﷺ در مقابل حجم بالای شبهه‌ها و تحریف‌های صورت‌گرفته توسط آنان با تمسک به آیات قرآن، نبوت خویش، جاودانگی قرآن و دین مبین اسلام را به اثبات رساندند و علاوه بر خنثاسازی جنگ نرم یهودیان، مسلمانان را در یافتن هویت اسلامی و دستیابی به استقلال فرهنگی موفق ساختند.

«سوءاستفاده از الفاظ قرآن» از جمله تحریفات یهود علیه پیامبر ﷺ بود. در این‌باره خداوند در آیه ۴۶ سوره «نساء» می‌فرماید: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَ رَاعِنَا لِيَا بِالسِّتِّهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ برخی از کسانی که یهودی‌اند حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل‌های غلط و ناصواب] از جایگاه‌های اصلی و معانی حقیقی‌اش تغییر می‌دهند، و [به ظاهر به پیامبر] می‌گویند: [دعوت را] شنیدیم و [به باطن می‌گویند:] نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر بر ضد او فریاد می‌زنند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیت عیب‌جویی از دین [به آهنگی، کلمه] «راعنا» [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن» است، تلفظ می‌کنند که برای شنونده، «راعیناً» - که معنایی خارج از ادب دارد - تداعی می‌شود]. و اگر آنان [به جای این‌همه اهانت، از روی صدق و حقیقت] می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و [سخنان ما را] بشنو و به ما مهلت ده [تا معارف اسلام را درک کنیم] قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود؛ ولی خدا آنان را به‌سبب کفرشان لعنت کرده است. پس جز عده اندکی ایمان نمی‌آورند.

در تفسیر آیه مذکور آمده است: یکی از فعالیت‌های یهود تحریف حقایق و فرامین الهی بود. از این طریق، پیامبر ﷺ و مسلمانان را به سخره می‌گرفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۸۶). بنابراین، یهودیان علاوه بر تحریف حقایق، اقدام به استهزای مسلمانان می‌کردند تا با انجام عملیات روانی و تضعیف روحیه مسلمانان، مانع شکل‌گیری هویتی مستقل برای آنان شوند.

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره «بقره» با افشای توطئه آنان، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ سَمِعُوا وَ لِّلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: «راعنا» [یعنی: در ارائه احکام، امیال و هوس‌های ما را رعایت کن] و بگویید: «انظرنا» [یعنی: مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن]، و [فرمان‌های خدا و پیامبرش را] بشنوید. و برای کافران عذابی دردناک است.

در شأن نزول آیه فوق از ابن عباس (عق ۸) نقل شده است: «در صدر اسلام، هنگامی که پیامبر ﷺ مشغول بیان آیات و احکام الهی بودند، مسلمانان گاهی از ایشان می‌خواستند کمی با تأنی سخن بگویند تا بتوانند مطالب را بهتر درک کنند. آنها برای این درخواست، جمله «راعنا» را که از ماده «الرعى» به معنای «مهملت دادن» است، به کار می‌بردند. یهود همین کلمه «راعنا» را که از ماده «الرعى» است که به معنای «کودنی» و «حماقت» است، برای سب یکدیگر استعمال می‌کردند. هنگامی که این کلمه را از مسلمانان شنیدند، آن را دستاویز قرار دادند و با استفاده از این جمله، پیامبر ﷺ و مسلمانان را استهزا می‌کردند. از این رو، آیه فوق نازل شد و برای جلوگیری از سوءاستفاده یهود، به مؤمنان فرمان داد: به جای جمله «راعنا» از جمله «انظرنا» که همان مفهوم را دارد، استفاده کنند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۹).

تخریب شخصیت پیامبر ﷺ و انکار نبوت ایشان یکی دیگر از اقدامات یهودیان علیه مسلمانان بود. یهودیان نه تنها اسلام را نپذیرفتند، بلکه در مقابل پیامبر ﷺ موضع گرفتند و کوشیدند با تخریب پیامبر، شخصیت ایشان را نزد مسلمانان خدشه‌دار نمایند. خداوند در آیه ۱۰۱ سوره «بقره»، یهودیان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ ءُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ و زمانی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق‌کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی] کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند]، گویی نمی‌دانند [که کلام خداست].

از این رو، پیامبر ﷺ با اثبات نبوت و رسالت جهانی خود، با بیان کفرورزیدن گروهی از یهود به آیات قرآن و همچنین اثبات حقانیت اسلام، به مواجهه فرهنگی یهود پاسخ دادند. هویت‌بخشی به مسلمانان توسط پیامبر ﷺ با سه تکنیک انجام شد:

### الف. اثبات نبوت و رسالت جهانی خویش

در حدیثی از امام حسن مجتبیٰ ﷺ اینچنین آمده است: عده‌ای از یهود نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: ای محمد، گمان می‌کنی فرستاده خدایی و همانند موسی بر تو وحی فرستاده می‌شود؟! پیامبر ﷺ کمی سکوت کردند، سپس فرمودند: آری. من سید فرزندان آدم هستم و به این افتخار نمی‌کنم. من خاتم پیامبران و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیانم. آنها پرسیدند: به سوی چه کسی: به سوی عرب یا عجم یا ما؟ خداوند آیه «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي

رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (بگو من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم) را نازل کرد و پیامبر ﷺ فرمود: رسالت من بر تمام جهانیان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

### ب. اثبات کفرورزیدن گروهی از یهودیان به قرآن و معجزه بودن قرآن

متزلزل ساختن جایگاه قرآن یکی از اقدامات یهود به منظور ممانعت از شکل‌گیری هویت مستقل برای مسلمانان بود. از این رو، گروهی از آنان با کفرورزیدن به آیات قرآن در تلاش بودند تا مرجعیت و معجزه بودن آن را زیر سؤال ببرند و مسلمانان را دچار شک و تردید کنند. پیامبر ﷺ نیز برای خنثا ساختن نقشه شوم آنان، با بیان آیات ۷۰ و ۷۱ سوره «أل عمران»، خطاب به طایفه‌ای از یهود می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْسُونُ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا [در تورات و انجیل درباره اوصاف پیامبر اسلام] کفر می‌ورزید، درحالی‌که خودتان گواهی می‌دهید [که این آیات از سوی خدا نازل شده است؟] ای اهل کتاب! چرا درحالی‌که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مُشْتَبِه می‌کنید و حق را پنهان می‌دارید [تا مردم گمراه بمانند؟!]

در شأن نزول آیه شریفه آمده است: چون پیامبر ﷺ نماز صبح را به طرف بیت‌المقدس (قبله یهودیان) و نماز ظهر را به سوی کعبه خواندند، طایفه‌ای از یهود گفتند: شما یهودیان ایمان بیاورید به وحی و دستوری که صبح نازل شد؛ یعنی به نماز خواندن رو به بیت‌المقدس، و کفر بورزید به حکمی که در آخر روز نازل شد؛ یعنی نماز خواندن به طرف کعبه.

مؤید دیگرش آن است که بعد از این سخن، آن گونه که قرآن حکایت نموده، گفتند: «وَلَا تَوْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ» (أل عمران: ۷۳)؛ یعنی: به کسانی که از دین شما پیروی نمی‌کنند، اعتماد نکنید، و به دین ایشان ایمان نیاورید و به ایشان نگویند که در تورات ما بشارت به دین شما و علائم پیغمبر شما آمده است. همچنین نگویند که تورات خیر داده است که قبله از بیت‌المقدس به کعبه برمی‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۵).

بنابراین، پیامبر ﷺ با بیان کفرورزیدن گروهی از یهود به آیات قرآن و معجزه بودن قرآن، علاوه بر اثبات حقایق قرآن در تورات، مسلمانان را نسبت به نیت سوء یهود آگاه نمودند و قرآن را مایه هویت‌بخشی مسلمانان قرار دادند.

### ج. اثبات حقایق اسلام و جاودانگی آن

ادعای برتر بودن دین یهود بر دین اسلام یکی دیگر از اقدامات یهود در جهت هویت‌زدایی از مسلمانان بود. آنان به خاطر توهم برگزیدگی و برتری دائمی خود بر سایر ادیان، خود را برتر از اسلام و حق را با دین یهود می‌دانستند. قرآن در آیه ۴۷ سوره «بقره» به موضوع برتری یهود اشاره کرده، می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید.

اشاره قرآن به موضوع برتری بنی اسرائیل در آیه شریفه، دلیل برتری ذاتی آنان برای تمام دوران‌ها نیست، بلکه یک برتری نسبی بود و در دوره فرعون، خداوند بر بنی اسرائیل منت نهاد و آنان را بر فرعونیان برتری داد.

پیامبر ﷺ برای هویت‌بخشی به مسلمانان در پاسخ به فخرپوشی برخی یهود، با تمسک به وحی الهی می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسق‌اند.

این آیه در شأن ابن مسعود و ابی‌بن کعب و معاذبن جبل و سالم مولی حدیثه نازل شد و علتش آن بود که دو یهودی (مالک بن صیف و وهب بن یهودا) به آنان گفتند: دین ما از آنچه ما را بدان دعوت می‌کنید، بهتر است و خود ما هم بهتر از شما ایم. این آیه در جواب آنان نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۶).

### تاکتیک دوم: هویت‌بخشی به جامعه اسلامی با تغییر / به‌کارگیری ابزارها، نهادها و نمادهای فرهنگی

هویت‌بخشی به جامعه اسلامی از جمله مؤلفه‌های اساسی در دستیابی یک جامعه به استقلال فرهنگی است. پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه و تشکیل نخستین حکومت اسلامی، با فرهنگ‌هایی از جمله فرهنگ یهود و مشرکان روبه‌رو شدند؛ فرهنگ‌هایی که هر کدام برخاسته از یک نگاه توحیدی یا غیرتوحیدی به عالم هستی شکل گرفته و نقشی اساسی در نحوه رفتارها و تعاملات پیروان هر فرهنگ با پیروان دیگر فرهنگ‌ها تعیین می‌کرد. ضرورتاً جامعه‌ای که بخواهد به استقلال فرهنگی دست یابد، لازم است در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر، هویت مستقلی برای خود تعریف کند. از این رو، پیامبر ﷺ در بدو ورود به محله قبا، با تأسیس نهادی بی‌بدیل به نام «مسجد»، تلاش خود را با هدف هویت‌بخشیدن به مسلمانان آغاز کردند.

بررسی منابع تاریخی بیانگر این مطلب است که پیامبر ﷺ برای هویت‌بخشی فردی، اجتماعی و فرهنگی به مسلمانان در مقابل فرهنگ یهود، با اتصال به وحی از برخی تکنیک‌ها بهره گرفتند: «بهره‌گیری از قرآن در معرفی و رسواسازی یهود»، «مرجع‌سازی مسجد برای مسلمانان»، «تعیین نمادهای اختصاصی مانند اذان و اقامه» و «درخواست تغییر نماد مانند تغییر قبله».

### الف. بهره‌گیری از قرآن در معرفی و رسواسازی یهود

قرآن ابزار قدرتمند و مستحکمی است که پیامبر ﷺ در موقعیت‌های گوناگون، برای معرفی و رسواسازی یهودیان از آن استفاده کردند. یهودیان با شیوه‌های گوناگون، از جمله شبهه‌افکنی و تفرقه‌افکنی کوشیدند قرآن و نبوت پیامبر ﷺ را انکار کنند تا شاید بتوانند روحیه مسلمانان را تضعیف نمایند. در اینجا به دو نمونه بهره‌گیری‌های پیامبر ﷺ به منظور معرفی و رسواسازی یهود اشاره می‌کنیم:

## ۱) شبهه افکنی یهود

ایجاد شک و شبهه در عقاید مسلمانان از جمله نقشه‌های یهود بود. آنان از روحیه تضعیف‌شده مسلمانان پس از شکست در جنگ احد، استفاده کردند و با شبهه‌افکنی سعی در متزلزل ساختن روحیه مسلمانان داشتند. خداوند درباره شبهه‌افکنی یهود پس از شکست در جنگ احد، در آیه ۶۹ سوره «آل عمران» می‌فرماید: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ»؛ گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که شما را [از راه خدا] گمراه کنند، درحالی که جز خودشان را گمراه نمی‌نمایند، و [این واقعیت را] درک نمی‌فمند.

پیامبر ﷺ نیز با بهره‌گیری از آیه ۱۰۹ سوره «بقره»، یهودیان را رسوا می‌کند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برایشان روشن شد، به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. هم‌اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمائش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند. به یقین، خدا بر هر کاری تواناست.

*ابن عباس* در شأن نزول این آیه می‌گوید: این آیه در پاسخ عده‌ای از یهود نازل شد که پس از واقعه احد به مسلمانان گفتند: دیدید که دچار چه مصیبتی شدید؟! اگر بر حق بودید، شکست نمی‌خوردید. پس به دین ما برگردید که بهتر است (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴).

## ۲) تفرقه افکنی یهود

«تفرقه‌افکنی» یکی دیگر از حربه‌های یهود در ممانعت از دستیابی مسلمانان به استقلال فرهنگی بود. بعد از هجرت پیامبر ﷺ، الفت و دوستی بین اوس و خزرج موجب ناراحتی عده‌ای از یهودیان گردید. آنان دنبال فرصتی بودند تا این اتحاد و دوستی را از بین ببرند. *شاس بن قیس* یکی از سالخوردگان یهود که در کفر خویش پایدار بود و کینه بسیاری از مسلمانان در دل داشت، روزی از کنار جمعی از مسلمانان اوس و خزرج که مشغول گفت‌وگو بودند، عبور می‌کرد. با خود گفت: به خدا! اگر اینان با همدیگر متفق شوند ما نمی‌توانیم در این سرزمین زندگی کنیم. از این‌رو، به یکی از جوانان یهود که همراهش بود، دستور داد تا نزد آنان برود و در مجلسشان بنشیند و از جنگ‌هایی که میان اوس و خزرج اتفاق افتاده بود، سخن بگوید و آنان را به جنگ با یکدیگر تحریک کند. آن جوان نیز به دستور *شاس بن قیس* عمل نمود و کاری کرد که مسلمانان به یکدیگر تفاخر ورزند و با برداشتن سلاح، فریاد جنگ سر دهند.

ماجرا به گوش پیامبر ﷺ رسید. ایشان به همراه جمعی از مهاجران به نزد اوس و خزرج آمدند و فرمودند: ای گروه مسلمانان، خدا را در نظر بیاورید! آیا دوباره به یاد دوران جاهلیت افتاده‌اید، در صورتی

که من در میان شما هستم و خداوند شما را به اسلام هدایت نمود؟ میان دل‌های شما که سال‌ها از هم دور بودید، اتحاد ایجاد کرد.

آنان با شنیدن سخنان پیامبر بیدار و از نیرنگ دشمن آگاه شدند. از این‌رو، همگی درحالی که گریان بودند، یکدیگر را در آغوش کشیدند و همراه با پیامبر ﷺ به شهر بازگشتند. در نتیجه، نقشه شوم ثاس بن قیس نقش بر آب شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۵).

پیامبر ﷺ با بهره‌گیری از قرآن در موضعی هوشمندانه، یهودیان را به خاطر بازداشتن از راه خدا، توبیخ کردند و آنان را نسبت به سرنوشت کارشان هشدار دادند.

### ب. استفاده از نمادها: اذان و اقامه

«نماد» ابزاری دیداری - شنیداری است که از آن برای «انتقال»، «تأیید» یا «ارتقای ترغیب» استفاده می‌شود. شرط مؤثر بودن هر نمادی قابلیت تشخیص، معناداری و قابلیت انتقال پیام است. در این زمینه، انتقال پیام به مخاطب هدف در ماهیت خود نماد نهفته است. بیشتر نمادها چنان قدرتمند و جهان‌شمول‌اند که همزمان هر سه مخاطب را هدف قرار می‌دهند (جنیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴-۱۴۵).

یهودیان و مسیحیان صدر اسلام، هر کدام به‌گونه‌ای مردم را به برگزاری عبادت فرامی‌خواندند. در اسلام نیز اذان از شعائر زیبایی است که مسلمانان را به عبادت نماز فرامی‌خواند. «شعائر» به معنای نشانه و نماد است. از این‌رو، اذان را می‌توان نمادی هویت‌بخش برای مسلمانان به هنگام اقامه نماز در اوقات پنجگانه قلمداد کرد. استفاده هوشمندانه پیامبر ﷺ از این نماد، اقدامی پیشگیرانه برای در امان ماندن مسلمانان از گرایش به نمادهای دیگر ادیان از جمله یهود بود؛ زیرا یهودیان از شیپور برای دعوت به نماز استفاده می‌کردند (مسعودی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۲۸۹).

این نماد اختصاصی علاوه بر آنکه موجب هویت‌بخشی به مسلمانان شد، موجب ناراحتی برخی از یهودیان نیز گردید. یهودیان برای تخریب جایگاه اذان نزد مسلمانان، آنان را مسخره می‌کردند، تا جایی که خداوند در آیه ۵۷ سوره «مائده» خطاب به یهودیان می‌فرماید: «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ و چون برای نماز ندا درمی‌دهید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این کار زشتشان به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که [در حقایق و معارف] نمی‌اندیشند.

در شأن نزول این آیه آمده که وقتی مؤذن پیامبر ﷺ، مسلمانان را به نماز فرامی‌خواند، یهودیان می‌گفتند: برای ریشخند و تفریح به نماز برویم (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۵). یهودیان با استهزای مسلمانان، سعی در تخریب هویت آنان داشتند. پیامبر اکرم ﷺ نیز با استفاده هدفمند از اذان و تکرار آن در طول شبانه‌روز، در نحوه عبادت کردن، به مسلمانان هویت بخشیدند. این هویت‌بخشی بدین‌گونه بود که هر مسلمانی با توجه به مضامین

ارزشمند اذان، بعد از گواهی به یکتایی خدا، به رسالت پیامبر ﷺ شهادت می‌داد و اینچنین، مسلمانان در طول شبانه‌روز اعلام می‌کردند که ما خدا و پیامبری داریم که هدایت‌کننده ماست.

### ج. درخواست تغییر نماد: تغییر قبله

تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه از جمله وقایع مهم تاریخ اسلام و یکی از راهکارهای مؤثر پیامبر ﷺ در هويت بخشیدن به مسلمانان بود. یهودیان به مسلمانان می‌گفتند: شما از خود استقلال ندارید و دین اسلام، دین مستقلی نیست؛ زیرا شما به سوی قبله ما نماز می‌گزارید. در چنین شرایطی بود که قبله از بیت‌المقدس به کعبه تغییر کرد.

در مسئله قبله مسلمانان، طعنه‌های یهودیان برای پیامبر ﷺ و مسلمانان ناگوار بود، ولی آنان مطیع فرمان خدای متعال و منتظر امر الهی بودند. گویا شخص پیامبر ﷺ نیز منتظر وحی الهی بود، تا اینکه به وسیله وحی، فرمان تغییر قبله صادر شد و درحالی‌که ایشان دو رکعت نماز ظهر را در مسجد «بنی‌سالم» به سوی بیت‌المقدس خوانده بودند، جبرئیل مأمور شد بازوی ایشان را بگیرد و روی ایشان را به طرف کعبه برگرداند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۱۷).

تغییر قبله یهودیان را بسیار ناراحت کرد و آنان طبق شیوه دیرینه خویش، شروع به بهانه‌جویی کردند. خداوند متعال در آیه ۱۴۲ سوره «بقره» می‌فرماید: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِمْ قُلْ لَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ به زودی مردم سبک‌مغز می‌گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله‌ای که بر آن بودند [یعنی بیت‌المقدس، به سوی کعبه] گردانید؟ بگو: مالکیت مشرق و مغرب فقط از آن خداست. هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

یهودیان پس از ناامیدی از خدشه‌دار کردن دین و احکام اسلام، باز تمایل خود به تغییر قبله به سوی بیت‌المقدس را نشان دادند. به همین علت، عده‌ای از اشراف یهود نزد پیامبر ﷺ آمدند و از ایشان خواستند تا قبله را به سمت بیت‌المقدس بازگردانند. آنان گفتند: اگر به سوی بیت‌المقدس برگردی، ما از تو پیروی کرده، تو را تصدیق می‌کنیم (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۰).

خداوند در آیه ۱۴۵ سوره «بقره» پاسخ داد: «وَلَنْ آتِيَنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبَلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبَلَةَ بَعْضٍ وَلَنْ آتَبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ»؛ و [به خدا سوگند،] اگر برای اهل کتاب هر نشانه و دلیلی بیاوری از قبله تو پیروی نمی‌کنند و تو هم از قبله آنان پیروی نخواهی کرد و [نیز] برخی از آنان [که یهودی‌اند] از قبله دیگران [که نصرانی‌اند] پیروی نخواهند کرد. اگر پس از دانشی که [همچون قرآن] برایت آمده است از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، مسلماً در آن صورت از ستمکاران خواهی بود.

هرچند تغییر قبله به اذن خداوند و از جانب ذات اقدس الهی انجام گرفت، اما نکته کلیدی آن، مواجهه اعتقادی پیامبر ﷺ و یهود بود که آنان، مسلمانان را به سبب نداشتن قبله مستقل تمسخر می کردند و هدفشان وانمود کردن عدم استقلال فرهنگی مسلمان در موضوع قبله بود.

پیامبر ﷺ با تغییر قبله، علاوه بر پاسخ دادن به طعنه های یهود، کعبه را به نماد مسلمانان در عبادت خداوند معرفی کردند و با این کار، هویت عبادی مسلمانان را رشدی اساسی بخشیدند، به گونه ای که تغییر قبله، استقلال فرهنگی مسلمانان را به رخ یهودیان کشید. جالب اینکه راهکار پیامبر، مسلمانان را در چشم مردم جامعه مستقل جلوه داد و زمینه ای را برای اسلام آوردن اعراب فراهم آورد؛ زیرا اعراب برای کعبه اهمیت زیادی قائل بودند.

### تاکتیک سوم: ایجاد هویت واحد فرهنگی با مرزبندی اعتقادی با یهودیان

ایجاد هویت واحد فرهنگی به واسطه مرزبندی اعتقادی میان مسلمانان و یهودیان یکی دیگر از ارزشمندترین تکنیک های پیامبر ﷺ در مسیر دستیابی به استقلال فرهنگی مسلمانان و جامعه اسلامی بود. تمرکز یهود بر دو حوزه «فرهنگ» و «اقتصاد» مدینه و اوضاع دادوستد و بازار، به گونه ای بود که مسلمانان در سال های اول هجرت به سبب وابستگی مالی، فرهنگشان نیز گرفتار اعتقادات باطل یهودیان شده بود. رهایی مسلمانان از این گرفتاری های اعتقادی، اخلاقی و فقهی یهود مستلزم پیدایش هویت واحد فکری، اعتقادی، اخلاقی و فقهی بود تا بتوانند در قالب یک نظام فکری واحد از یهود جدا شوند، با دیگر مسلمانان پیوند بخورند و هویت فرهنگی واحدی ایجاد کنند.

برخی از مرزبندی های اعتقادی صورت گرفته توسط پیامبر ﷺ در دو بحث «توحید» و «نبوت» در قالب تکنیک های ذیل محقق شد:

### الف. ایجاد سؤال

در مبحث «توحید»، نگاه الحادی یهودیان به خداوند متعال منجر به ادعاهای بی اساسی همچون «فرزند خدا بودن» شد. در این بخش از تکنیک «ایجاد سؤال» استفاده شد. در آیه ۱۸ سوره «مائده» آمده است: یهودیان و مسیحیان ادعا کردند که ما فرزندان خداییم و به سبب همین قربت، خداوند ما را در آخرت عذاب نمی کند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ»؛ و یهود و نصارا گفتند: ما پسران خدا و دوستان اویم.

آنان با نوعی مجازگویی، می خواهند شرافتی برای خود بتراشند. پیامبر ﷺ در مقابل ادعای آنان، از تکنیک «ایجاد سؤال» استفاده کردند و خطاب به آنان فرمودند: «فَلِمَ يَعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ»؛ اگر پندار شما صحیح است و در این افترا به خطا نمی روید، چرا خداوند شما را در برابر گناهانتان



کیفر می‌دهد؟ (همان) زیرا قاعده این است که دوست بر دوست و پدر بر پسر ترحم کند و عذابش نکند، با اینکه آنها اقرار دارند که خداوند آنها را عذاب می‌کند، و این مطلب مطابق تورات است و اگر قبول نداشته باشند کافرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۷۳).

برخی گفته‌اند: «یعذب» اگرچه مضارع است، لیکن به معنای ماضی است؛ یعنی چرا شما را عذاب کرد؟ شما اقرار دارید که بر اثر پرستش گوساله سامری گرفتار عذاب خداوند شدید و همچنین خداوند به کیفر کردارتان، شما را به شکل بوزینه و خوک درآورد و بخت‌النصر را بر شما مسلط ساخت تا شما را به سختی شکنجه دهد. آیا اینها عذاب نیست؟ اگر شما دوستان خدا هستید، چرا عذابتان کرد؟ (همان)

### ب. بهره‌گیری از آیات قرآن

یکی از تکنیک‌هایی که پیامبر ﷺ در راستای ایجاد هویت واحد فرهنگی از طریق مرزبندی اعتقادی با یهودیان استفاده می‌کردند، تکنیک بهره‌گیری از آیات قرآن بود؛ چراکه مسلمانان در اصول اعتقادی نیازمند مرزبندی اساسی با یهودیان بودند. پیامبر ﷺ با عنایت به آیه ۹۷ سوره «بقره» با خطاب قرار دادن یهودیان، به این بهانه که جبرئیل آورنده وحی است و با او دشمن هستند پس به پیامبر ﷺ ایمان نمی‌آوردند، می‌فرماید:

«قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» [آنان می‌گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می‌آورد ما با او دشمنیم؛ بنابراین به تو ایمان نمی‌آوریم] بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست]؛ زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، درحالی‌که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

### دوم. راهبرد «ختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی»

ایجاد جنگ اعتقادی (مانند انکار، کتمان نبوت پیامبر ﷺ، تحریف پیامبر ﷺ، و نیازمند دانستن خداوند) و عملیات روانی علیه اسلام و مسلمانان از جمله فعالیت‌های یهودیان در دوران ده ساله حکومت نبوی بود. فعالیت‌هایی که اگر پیامبر ﷺ برنامه‌ای برای ختناسازی و کنترل آن نداشتند، به‌زودی جلوی رشد نهال نوپای اسلام را می‌گرفت و به تدریج آن را می‌خشکاند.

بدین‌رو، پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی همچون «اقتدار درونی امت اسلامی» و «ویژگی خاص پیامبری» مانند عصمت و تمسک به قرآن و به‌کارگیری راهبرد هوشمندانه «ختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ اعتقادی و عملیات روانی» توانستند نقشه شوم یهودیان را نقش‌برآب نمایند و نظام دین اسلام و حکومت دینی را به نحو احسن پایه‌ریزی کنند و آن را در برابر تهدیدهای اعتقادی حفظ کنند. جزئیات انتخاب این راهبرد در جدول (۵) ذکر شده است:

جدول (۵): راهبرد ختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی

حوزه	راهبرد	نوع	نحوه دستیابی به راهبرد	علت انتخاب راهبرد	تاکتیک	تکنیک
روشن‌سازی و ختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی	هوشمندانه (ST)	خنشاسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی	استفاده از «اقتدار درونی امت اسلامی» و ویژگی خاص پیامبری، از جمله عصمت و تمسک به قرآن برای جلوگیری از «تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی»	پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی از جمله «اقتدار درونی امت اسلامی» و ویژگی خاص پیامبری، مانند عصمت و تمسک به قرآن با اتحاد راهبرد هوشمندانه «ختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ اعتقادی و عملیات روانی» توانستند نقشه شوم یهودیان را بر آب نمایند و نظام دین اسلام و حکومت دینی را به نحو احسن پایه‌ریزی پایه‌ریزی کنند و آن را در برابر تهدیدهای اعتقادی حفظ نمایند	روشن‌سازی درباره مهربان و نوظهور دشمن	الف. بهره‌گیری از آیات قرآن ب. مناظره با یهود

پیامبر ﷺ برای دستیابی به این راهبرد، از تکنیک‌هایی استفاده کردند که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

### الف. بهره‌گیری از آیات قرآن

برای نمونه، می‌توان به بیان لجاجت و خیال‌پردازی دامنه‌دار یهود در تهمت‌زنی به فرشتگان و حسادت با پیامبر ﷺ اشاره نمود. / این‌صورتاً، عالم‌ترین شخصیت یهودی در ماجرای رجم یهودیان، به خدا قسم یاد می‌کند و می‌گوید: یهودیان می‌دانند که شما نبی مرسل هستید، لیکن به شما حسد می‌ورزند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۵). به اعتراف این شخصیت، یهودیان از نبوت پیامبر ﷺ و ارتباط او با خداوند به‌وسیله جبرئیل امین مطلع بودند؛ اما مسئله مهمی که در اینجا جلب توجه می‌کند لجاجت عمدی و تلاش در آزار و اذیت پیامبر ﷺ توسط یهودیان است. آنان دامنه لجاجت را آن‌قدر گسترده کردند که علاوه بر حسادت به پیامبر ﷺ، فرشتگان را نیز آماج تهمت‌زنی خویش قرار دادند.

خداوند در پاسخ به این تهمت‌زنی آنان در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره «بقره» می‌فرماید: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ»؛ [آنان می‌گویند: چون جبرئیل وحی را برای تو می‌آورد ما با او دشمنیم و بنابراین به تو ایمان نمی‌آوریم]. بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست]؛ زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، درحالی‌که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است. هر که با خدا و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [کافر است]، و بی‌تردید خدا دشمن کافران است.

بنابراین پیامبر خدا با برجسته کردن دشمنی یهود، جنگ اعتقادی و عملیات روانی یهود علیه مسلمانان را خنثا کردند.

### ب. مناظره با یهود

نمونه این تکنیک پاسخ به سؤال‌های یهود و رفع آشوب، بلوا و اضطراب از مسلمانان است. یهودیان می‌کوشیدند تا با ایجاد شبهه و طرح سؤالات به ظاهر پیچیده و سخت، در دل‌های مسلمانان ایجاد آشوب، بلوا و اضطراب کنند و پیامبر ﷺ را از برخی اسرار کم‌اطلاع جلوه دهند.

ترمذی در سنن خود از جابرین عبدالله/انصاری نقل می‌کند: عده‌ای از یهودیان به برخی از اصحاب پیامبر ﷺ گفتند: آیا پیامبر شما از تعداد خزانه‌های جهنم باخبر است؟ یاران پیامبر در پاسخ این دسته از یهودیان گفتند: ما باید از پیامبر خود سؤال کنیم. آنان بعد از مراجعه به پیامبر ﷺ و طرح سؤال از ایشان، اذعان کردند که از یهودیان شکست خورده‌اند.

پیامبر ﷺ در پاسخ مسلمانان گفت: آیا گروهی که چیزی را نمی‌دانند و از پیامبرشان سؤال می‌کنند، شکست خورده‌اند؟ ایشان ادامه دادند که یهودیان از پیامبرشان، حضرت موسی می‌پرسیدند، گفتند: «أرنا الله جهرة!» آنان به خاطر با دشمنی با خدا گفتند که ما باید خدا را ببینیم تا سخنان تو را قبول کنیم.

به همین سبب، وقتی جماعت یهود و مسلمانان خدمت پیامبر ﷺ آمدند و از تعداد خزانه‌های جهنم پرسیدند، پیامبر به این سؤال پاسخ دادند و سپس از یهودیان سؤال کردند: خاک بهشت از چیست؟ آنان ساکت شدند و با شرمندگی، سر به زیر انداختند. یهودیان پرسیدند: ای ابا القاسم، آیا نان است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: (چیزی شبیه) آرد سفید نرم شده است (شقاری، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۳۳).

### نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم ﷺ بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، با تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی یهود مواجه شدند. ایشان در این شرایط می‌بایست برای رشد و گسترش نهال نوپای اسلام، راهبردهایی را در مواجهه فرهنگی با یهود به کار می‌گرفتند تا علاوه بر رعایت همگانی بودن رسلشان، دین اسلام را به استقلال برسانند. تحلیل رفتارهای پیامبر ﷺ در این مواجهه براساس الگوی «SWOT» بیانگر آن است که ایشان با بهره‌گیری از نقاط قوت موجود در حکومت اسلامی و همچنین با استفاده از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدها، با اتخاذ راهبردهای گسترشی و هوشمندانه موفق بودند. این پژوهش به دو راهبرد «دستیابی به استقلال فرهنگی» و «خنثاسازی و مقاوم‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی» اشاره کرد.

## منابع

- ابن حزم، علی بن احمد، ۱۴۰۳ق، *جمهرة انساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالملک بن، بی تا، *السيرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه.
- الوانی، سیدمهدی، ۱۳۹۳، *مدیریت عمومی*، چ پنجاه و یکم، تهران، نشر نی.
- جدیدناب، علی، ۱۳۹۰، *تحلیلی بر عملکرد پیامبر ﷺ در برابر یهود*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جنیدی، رضا، ۱۳۹۳، *تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله*، چ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جواد، علی، ۱۴۱۳ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعه بغداد.
- زمانی محبوب، حبیب، ۱۳۹۳، «راهبرد پیامبر ﷺ در برابر فتنه‌های یهودیان مدینه»، *معرفت*، ش ۱۹۶، ص ۳۹-۵۰.
- شکاری، عبدالله بن ثار، ۱۹۹۶، *اليهود فی السنة المطهره*، ریاض، دار طیبه للنشر و التوزیع.
- صادقی، مصطفی، ۱۳۸۶، *پیامبر ﷺ و یهود حجاز*، چ سوم، قم، بوستان کتاب.
- طباره، عقیف عبدالفتاح، ۱۹۷۹، *اليهود فی القرآن*، ط. السابعة، بیروت، دارالعلم للملایین الهلال.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و مقدمه محمدجواد بلاغی، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- ، ۱۳۷۷، *جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه.
- عارف کشفی، سیدجعفر، ۱۳۹۵، *رسول خدا و یهود*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- علی احمدی، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۲، *نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک*، چ هشتم، تهران، تولید دانش.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- فردار، دیوید، ۱۳۹۷، *مدیریت استراتژیک*، ترجمه علی پارساییان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، ط. الثانیه، تهران، صدر.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۹۹۶م، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت، دارالاندلس.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۳۸۳، *اسباب النزول*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرزلو، تهران، نشر نی.